

جشنشبه

۱۴۰۱

سال بیستم • شماره ۴۴۲۹

**بررسی جامعه‌شناختی رفتار برخی از مردم بعد از بازی ایران و انگلیس در گفت‌وگو با محمد مهدی رحمتی، جامعه‌شناس**

# اسطوره‌سازی از ورزشکاران انتظارات اجتماعی را افزایش می‌دهد

**فرانک جواهری:** آنچه شب دوشنبه در جریان بازی ایران و انگلستان رخ داد، شوکه‌کننده بود. هرچند اگر در ایران امروز زندگی می‌کنید، برایتان قابل درک است که چرا مردمی که سال ۷۶ برای صعود ایران به جام جهانی با شادی به خیابان‌ها آمدند و هنوز از آن روز حرف می‌زنند. امروز برخی از آنها برای شکست تیم شان هورا می‌کشند. فوتبالی که روزی مردم را از سراسر ایران شغف می‌کرد. امروز تبدیل به چیزی غیر شده است. در شرایطی که نگرانی از گسیخت و افول اجتماعی شدت گرفته‌است، آیا این اتفاق کسبیت اجتماعی بود؟ محمدمهدی رحمتی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، سال‌هاست روی جامعه‌شناسی ورزش کار کرده است. او هرچند این اتفاق را نگران‌کننده می‌داند. اما معتقد است هنوز به نقطه گسیخت اجتماعی نرسیده‌ایم. به نظر او مجموعه شرایط پیش‌آمده باعث شده بخش‌هایی از مردم با تیم ملی خودشان احساس جدایی می‌کنند. در واقع مردم احساس می‌کنند این تیم با ما نیست؛ حسی که حتی نتواندن سرود ملی هم التیام نیافت و انتظار این روزهای مردم نتیجه سال‌ها اسطوره‌سازی رسانه‌هاست.

**فرانک جواهری:** آنچه شب دوشنبه در جریان بازی ایران و انگلستان رخ داد، شوکه‌کننده بود. هرچند اگر در ایران امروز زندگی می‌کنید، برایتان قابل درک است

● **شاهد بودیم بخشی از مردم خواهان شکست تیم ملی بودند. آیا این سابقه داشته است؟ از نظر جامعه‌شناسی، تحلیل شما از این برخورد چیست؟**
تشویق تیم رقیب بی سابقه نیست و در مواردی نه‌چندان زیاد رخ داده است. البته عمدتا به خاطر عملکرد ورزشی بازیکنان رقیب بوده است. فکر کنم سال ۲۰۰۵ یک بازیکن معروف در تیم بارسلونا بود که درخشش فوق‌العاده‌ای داشت و طرفداران تیم رئال او را تشویق کردند؛ اما این تشویق به خاطر شایستگی تیم حریف بود. ولی برای این اتفاق مورد مشابهی پیدا نمی‌کنم؛ فارغ از اینکه تیم حریف چه کسی است. تماشاگران آرزوی شکست تیم خود را نکنند. خوشحالی از شکست تیم خودی است تا اینکه بخواهند شایستگی تیم حریف را تشویق کنند. ما جامعه‌شناسان تک‌عاملی نگاه نمی‌کنیم و می‌توان به یک مجموعه از عامل‌ها اشاره کرد. چند عامل دست به دست هم دادند که این اتفاق رقم خورد. نارضایتی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و… در سطح جامعه نسبت به عملکرد مجموعه مدیریت اجرایی وجود دارد. به نظر می‌رسد با این نارضایتی‌ها به گونه مناسب برخورد و مدیریت نشده است. در دوماهه اخیر جامعه حس می‌کند پاسخ مناسبی درخصوص اعتراضات نگرفته است. البته این گزاره‌ها قابل تأمل و تحلیل هستند و می‌تواند مخالفان و موافقانی داشته باشد. فارغ از کمیت، این واقعه (تشویق تیم حریف) جدای تأمل بسیار دارد. بر اساس مشاهدات و شنیده‌ها، فضای مجازی و… تعداد درخور توجهی از مردم از شکست تیم ملی اظهار شادمانی کردند. اگر به عقب برگردیم، بخشی از این ماجرا به خود مسئولان ارتباط پیدا می‌کند. در دو دهه اخیر این بحث درگرفته که مرجعیت جامعه دست سلبریتی‌ها افتاده است. این سلبریتی‌ها اصولا به دو میدان ورزش و هنر تعلق دارند. جامعه‌شناسان هم پیش‌وکم هشدار دادند که این اتفاق خوبی نیست و در درازمدت می‌تواند تبعات اجتماعی و فرهنگی داشته باشد؛ اما خیلی به این مسئله توجه نمی‌شد و این بحث را ما از صداوسیما هم شاهد هستیم. البته صداوسیما هم یکی از مقوله‌های مورد انتقاد، مناقشه و اعتراض در سطح جامعه است. شاهد بودیم که سرود مراسم، مناسب‌ها و… از این چهره‌ها و سلبریتی‌ها استفاده می‌شد. از آنها در برنامه‌های مختلف دعوت می‌شد و حضور پیدا می‌کردند. برای اینها مسئولیت تعریف می‌شد که از نظر اجتماعی، این مسئولیت در توان این افراد نیست. ممکن است یک نفر ورزشکار خوبی باشد اما از این ورزشکار خوب بودن لزوماً به معنای اینکه فرد فعال اجتماعی و فرهنگی باشد، نیست. ما معمولاً انتظار داریم از چهره‌های متخصص در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی برای ارسال پیام به جامعه استفاده شود. در میدان ورزش و در دو، سه دهه اخیر اتفاقاتی افتاد که یکی از برایندهای این اتفاق‌ها، با الهام از اندیشمند بزرگ اجتماعی رولان بارت، اسمش را اسطوره‌سازی می‌گذارم. اسطوره‌سازی به همان معنای رولان بارت، یک نوع جعل واقعیت است؛ یعنی نسبت‌های غیرواقعی به پدیده‌های واقعی داده شود. در ورزش از واژه‌ها و صفت‌های مثل حماسه، اسطوره و… استفاده می‌کنیم؛ اما این عبارات منتاسب میدان ورزش نیست. وقتی این واژه‌ها را به کار می‌بریم، باید این انتظار را داشته باشیم که در یک فرایند دیالکتیکی این مفاهیم به ضد خود تبدیل شوند. یک مثال ساده بزنم. زمانی که اخبار ورزشی را گزارش می‌دهند، می‌گویند: «کشتی گیر رقیب خود را به زانو درآورد یا پشت رقییش را به خاک مالیده». در این واژه‌ها خسونت وجود دارد. ممکن است این اتفاق برای ورزشکار ایرانی هم بیفتد و این بزرگ‌نمایی‌ها به ضد خود بدل می‌شود. در صداوسیما پیروزی‌های ورزشی به شکل غیرواقع‌بینانه‌ای بزرگ‌نمایی می‌شوند. به شکل یک حماسه درمی‌آیند و از ورزشکاران که در این رویداد حضور داشتند، حماسه‌سازی می‌شود. این باعث افزایش انتظارات اجتماعی شده و انتظارات مردم جامعه از اسطوره و قهرمان‌شان با توجه به این بزرگ‌نمایی افزایش پیدا می‌کند. مردم انتظار دارند

در مواردی که با مشکل و مسائل مواجه می‌شوند، این افراد به نوعی در کنارشان حضور داشته باشند. می‌گویند ما همیشه پشتیبان شما بودیم، تحسین‌تان کردیم، به شما ارجح می‌گذاشتیم، برایتان ارزش قائل بودیم و حمایت و استاد دارند. مردم متقابلاً انتظار دارند این افراد هم در مواردی که جامعه احساس دل‌آزرگی و آسیب‌دیدگی می‌کند، به صورت مستقیم از آنها حمایت و با آنها همدردی کنند. دیدیم که این اتفاق از جانب تیم ملی صورت نگرفت و در آستانه اعزام تیم ملی به قطر، اتفاقات دیگری هم رخ داد (دیدار با رئیس‌جمهور و نحوه رویارویی ورزشکاران تیم ملی با رئیسی) که تأثیر بدی گذاشت و مردم احساس کردند نه‌تنها تیم ملی از آنها حمایت نمی‌کند، بلکه در برابرشان قرار دارد. وقتی با نگاه انتقادی به انتظارات مردم نگاه می‌کنم، می‌بینم در هیچ کجای دنیا از ورزشکاران ملی در این حد انتظار وجود ندارد. اینجا به همان پیشینه برمی‌گردیم. مجموعه حاکمیت، رسانه‌ها و صداوسیما به قدری از این ورزشکاران اسطوره ساخته‌اند و بزرگ‌نمایی

کرده‌اند که مردم در هر شرایطی متناسب با آن بزرگ‌نمایی از آنها انتظار دارند و چون می‌بینند این انتظاراتشان پاسخ مناسب دریافت نمی‌کند، دل‌آزرده می‌شوند. از سوی دیگر، در این شرایط گروه‌های مختلف در جامعه تلاش می‌کنند انتقاد و اعتراض خود را به هر طریقی که ممکن است، نسبت به سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نشان دهند. در شرایط فعلی میدان ورزش این فرصت را برای افراد فراهم کرده که از طریق مخالفت و واکنش منفی نسبت به عملکرد ورزشکاران و نوعی اعتراض خود به سیاست‌های موجود را نشان دهند. می‌خواهند به‌این‌ترتیب با نوعی فرافکنی نارضایتی خود را بیان کنند. ورزشکاران چهره‌های مطرحی هستند و جام جهانی در سطح کلان و جهانی در حال وقوع است. این واقعه در گذشته تجربه پرافتخار و شیرینی بوده است؛ اما شاهدیم که این فرصت به تهدید بدل می‌شود و به جای ایجاد همستگی-وضعیتی که در گذشته شاهدش بودیم- به ضد بخشی از مردم هم از آن شرایط راضی نیستند و می‌گویند ما نباید این مسائل را با خود مخلوط کنیم و اگر اعتراض و انتقادی داریم، قرار نیست که میدان دیگری را که می‌تواند برای ما شادای‌آفرین باشد، در معرض انتقادات قرار دهیم. در نتیجه ترکیبی از دو عامل درون‌ورزشی و ساختار اجتماعی، هر دو در بروز این واقعه تأثیر داشتند.

● **یعنی نگاه به ورزش ملی و فوتبال در ایران با بقیه کشورها متفاوت است؟ انگلیسی‌ها و برزیلی‌ها هم خیلی طرفدار فوتبال هستند.**
فوتبال در بسیاری از جوامع دنیا محبوب است. در انگلستان سیاست با ورزش مثل جامعه ما منسوج نیست. در ایران از دهه ۷۰ به بعد، یعنی دوران سازندگی، کم‌کم ورزش قهرمانی وارد شد و جای الگوی دهه ۶۰ را که مدام روی اخلاق، جوانمردی و نقد ورزش حرفه‌ای مانور می‌داد، گرفت. گفتند مدال‌آوری می‌تواند برای کشور افتخار بیاورد. ایدئولوژی موجود تلاش کرد از ورزش به‌عنوان ابزاری برای تحکیم بیان خواسته‌های خودش استفاده کند. ورود سیاست به ورزش همیشه به نفع ورزش نیست. البته در دنیا این برخورد سابقه دارد. سیاستون در مواردی که به دنبال کسب محبوبیت بودند، از هرند این استفاده یا سوءاستفاده کردند؛ ولی مناسبست ورزش با جامعه با سطح توسعه‌یافتگی

مجموعه حاکمیت، رسانه‌ها و صداوسیما به

قدری از این ورزشکاران اسطوره ساخته‌اند و بزرگ‌نمایی کرده‌اند که مردم در هر شرایطی متناسب با آن بزرگ‌نمایی از آنها انتظار دارند و چون می‌بینند این انتظاراتشان پاسخ مناسب دریافت نمی‌کنند، دل‌آزرده می‌شوند. از سوی دیگر، در این شرایط گروه‌های مختلف در جامعه تلاش می‌کنند انتقاد و اعتراض خود را به هر طریقی که ممکن است، نسبت به سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نشان دهند. در شرایط فعلی میدان ورزش این فرصت را برای افراد فراهم کرده که از طریق مخالفت و واکنش منفی نسبت به عملکرد ورزشکاران و نوعی اعتراض خود به سیاست‌های موجود را نشان دهند. می‌خواهند به‌این‌ترتیب با نوعی فرافکنی نارضایتی خود را بیان کنند. ورزشکاران چهره‌های مطرحی هستند و جام جهانی در سطح کلان و جهانی در حال وقوع است. این واقعه در گذشته تجربه پرافتخار و شیرینی بوده است؛ اما شاهدیم که این فرصت به تهدید بدل می‌شود و به جای ایجاد همستگی-وضعیتی که در گذشته شاهدش بودیم- به ضد بخشی از مردم هم از آن شرایط راضی نیستند و می‌گویند ما نباید این مسائل را با خود مخلوط کنیم و اگر اعتراض و انتقادی داریم، قرار نیست که میدان دیگری را که می‌تواند برای ما شادای‌آفرین باشد، در معرض انتقادات قرار دهیم. در نتیجه ترکیبی از دو عامل درون‌ورزشی و ساختار اجتماعی، هر دو در بروز این واقعه تأثیر داشتند.

● **یعنی نگاه به ورزش ملی و فوتبال در ایران با بقیه کشورها متفاوت است؟ انگلیسی‌ها و برزیلی‌ها هم خیلی طرفدار فوتبال هستند.**

فوتبال در بسیاری از جوامع دنیا محبوب است. در انگلستان سیاست با ورزش مثل جامعه ما منسوج نیست. در ایران از دهه ۷۰ به بعد، یعنی دوران سازندگی، کم‌کم ورزش قهرمانی وارد شد و جای الگوی دهه ۶۰ را که مدام روی اخلاق، جوانمردی و نقد ورزش حرفه‌ای مانور می‌داد، گرفت. گفتند مدال‌آوری می‌تواند برای کشور افتخار بیاورد. ایدئولوژی موجود تلاش کرد از ورزش به‌عنوان ابزاری برای تحکیم بیان خواسته‌های خودش استفاده کند. ورود سیاست به ورزش همیشه به نفع ورزش نیست. البته در دنیا این برخورد سابقه دارد. سیاستون در مواردی که به دنبال کسب محبوبیت بودند، از هرند این استفاده یا سوءاستفاده کردند؛ ولی مناسبست ورزش با جامعه با سطح توسعه‌یافتگی

● **شما این برخوردها را پیش‌بینی می‌کردید؟ در میانه اعتراضات این بحث مطرح شد که با آغاز جام جهانی همه چیز جمع خواهد شد و میزان پوشش جام جهانی در خبرگزاری‌های دولتی و بسداوسیمای قابل توجه بود.**

من پیش‌بینی می‌کردم. هر دو حالت محتمل بود. اینکه کدام به وقوع بپیوندد، بستگی به سیاست و اقداماتی داشت که می‌توانست صورت بگیرد. تلاش رسانه‌های دولتی برای پرداختن به این واقعه موجب شد همان خاصیت دیالکتیک را دوباره ببینیم. رسانه‌ها که خودشان به نوعی جزء، دل‌ال‌های شناور اعتراضات بودند و جزء ایژه‌های جدید به موارد اعتراض اصلی مردم محسوب می‌شوند. وقتی اینها به چیزی اهمیت زیاد می‌دهند، معترضان در واکنش سعی می‌کنند نسبت به آن واکنش منفی بدهند. این نشان می‌دهد ما در دستگا، سیاست‌گذاری اجرایی نقیصی داریم.

● **شما این برخوردها را پیش‌بینی می‌کردید؟ در میانه اعتراضات این بحث مطرح شد که با آغاز جام جهانی همه چیز جمع خواهد شد و میزان پوشش جام جهانی در خبرگزاری‌های دولتی و بسداوسیمای قابل توجه بود.**



● عکس: مهلا جلیلی، باشگاه خبرنگاران جوان

باشد. قطعاً میزان این واکنش به صورت دقیق قابل پیش‌بینی نبود. با این حال شاهد بودیم که بخشی از جامعه نه‌تنها از این شکست ناراحت نشد، بلکه به زبان عامیانه دلشان هم خنک شد. یک جورهایی احساس می‌کرد که انتقام عدم پاسخ به مطالباتش را گرفته است. ● **آیا باز هم این ماجرا تکرار می‌شود؟ با اینکه ورزشکاران سرود ملی را نخواندند اما انگار این اتفاق هم باعث نشد به قول شما دل آن بخش از مردم خنک شود. اما رسانه‌های خارجی به شدت تحت تأثیر این مسئله قرار گرفتند.**

احتمال آن زیاد است. البته بستگی به نتیجه هم دارد. اگر نتیجه‌ای را که عربستان در برابر آرژانتین گرفت، ایران در برابر انگلیس گرفته بود، ممکن بود این اتفاق نیفتد. اینکه می‌گویم این گسیختگی اجتماعی رخ نداده و روی نظر خدوم هم افزایشی می‌کنم همین است. اگر ایران هم در برابر انگلستان مثل عربستان نتیجه گرفته بود و می‌توانستیم انگلیس را ببریم، من به شما قول می‌دهم که مردم از خودشان شادی نشان می‌دادند.

● **آیا ما مردم عجیبی داریم؟ وقتی ایران گل زد شاهد بودم وقتی کسی می‌خواست خوشحالی کند همه به او چشم‌غره می‌رفتند.**

مردم ما سرشار از تناقض هستند. مثل آونگی که مدام این‌ور و آن‌ور می‌رود، در حال نوسان هستند. یعنی این احساس در یک لحظه می‌تواند در دو قطب مخالف حرکت کند. خود نتیجه بازی می‌تواند روی آن تأثیرگذار باشد. در ورزش نتایج می‌تواند روی هیجان‌های آنی تأثیرگذار باشد. با اطمینان به شما می‌گویم در مورد همه جامعه صحبت نمی‌کنیم، بسیاری از افرادی که شب دوشنبه از گل خوردن ایران ابراز شادی کردند، اگر نتیجه برعکس می‌شد، شادی می‌کردند. نمی‌توانیم این را منکر شویم. الان این شرایط موقت است. اسم تیم ملی رویش است؛ متعلق به همه ملت و مردم است. مجموعه شرایط پیش‌آمده باعث شده که الان بخش‌هایی از مردم با تیم ملی خودشان احساس جدایی می‌کنند. احساس می‌کنند این تیم با ما نیست، نماینده واقعی ما نیست. نه از نظر ورزشی، از نظر مطالبات، خواسته‌ها و مواردی که ذهن مردم به دنبال تحقیقشان است و برای آن اعتراض می‌کنند. برای بازی بسا وُلز هر دو احتمال وجود دارد، اگر نتیجه بگیرد، مردم خوشحال می‌شوند و اگر باخت سنگین باشد باز حالت لجاجت از طریق فرافکنی نشان می‌دهند. از نظر روان‌شناختی این منطقی نیست، ما می‌توانیم بگوییم اشتباه کرد و از لحاظ اخلاقی تأییدش نکنیم. ولی باید دید چه شرایط، نیروها و عواملی تأثیرگذار بوده که فرد به این درجه از خودبزرنگری رسیده است. احساس می‌کنم با یک حالت خودآزاری اجتماعی روبه‌رو هستیم. جامعه می‌گوید حالا که به مطالباتم توجه نمی‌شود، هر اتفاقی که باعث شود طرف مقابل زیر سؤال برود، می‌تواند برابیم شادی‌بخش باشد. با وجود اینکه این اتفاق به خودش هم آسیب می‌زند. تیم ملی‌اش است که نتیجه نمی‌گیرد، عملکرد ورزشکاران

ملی‌اش زیر سؤال می‌رود. ولی چون در شرایط معمول و عادی قرار نداریم و در شرایط استثنائی و غیرعادی هستیم، در نتیجه این واکنش‌های خودآزاری هم دور از انتظار نیست.

● **به نظرتان این واکنش ماهیت ساختارشناخته ندارد؟**

به نکته خوبی اشاره کردید. شاید به‌ظاهر ربطی به صحبت من و شما نداشته باشد، ولی اگر زنجیره‌ای و منظومه‌ای به این مسائل نگاه کنیم، ربط دارد. برای مثال یک خواننده‌ای نه چهره جذابی دارد، نه صدای خاصی و حتی هنرمندانمیدنش هم از جانب اصحاب هنر جای تردید دارد؛ با این حال، تعداد دنبال‌کننده‌هایش در فضای مجازی عجیب و غریب است. وقتی این فرد به خارج از ایران می‌رود، مردم برای کنسرت‌ش به ارمنستان و ترکیه می‌روند و در کنسرت هم به مردم فحاشی و توهین می‌کند، اما باز هم مورد استقبال قرار می‌گیرد. دقیقاً همین نکته‌ای است که شما گفتید. وقتی فرهنگ واجد خصلت اجباری باشد، هر نوع حرکت ضدفرهنگی می‌تواند مورد اقبال عمومی قرار گیرد. می‌گویند همین که هنجار می‌شکند، غنیمت است؛ چون این هنجارشکنی را به نوعی انتقام خودشان از سیستم اجباری هنجاری رسمی در جامعه می‌دانند.

● **در روستاهای دورافتاده کشور عکس فوتبالیست‌ها را می‌بینید، یعنی مردم چنین عشقی به فوتبال دارند. وقتی اتفاقی این‌چنینی در بازی ایران و انگلستان می‌افتاد، نگران‌کننده است. چه بر سر جامعه آمده و پیش‌بینی شما از آینده چیست؟ موضوع نگران‌کننده این است که این ساختارشناختی به جایی برسد که قانون کنار گذاشته شود، از قوانین راهنمایی و رانندگی تا پرداخت عوارض، آن وقت در چنین جامعه‌ای زندگی ممکن است؟**

فوتبال قوی‌ترین منبع هویت‌بخش اجتماعی است. نمی‌توان درباره وقایع این‌چنینی به صورت خطی علت و معلولی، پیش‌بینی کرد. تنها چیزی که می‌توان گفت این است که این اتفاقات از نظر اجتماعی ناخوشایند هستند. ولی نمی‌توان به صورت قطعی گفت که به چه نتایجی منجر می‌شوند. همه چیز به تصمیمات و اقدامات حاکمیت بستگی دارد. جامعه احساس می‌کند که زخمی است و انتظار دارد روی زخم‌ها مرمم گذاشته شود. متأسفم که می‌بینیم بعضی‌ها که مسئولیت خاصی هم ندارند، روی زخم مردم نمک می‌پاشند. این بیشتر مردم را تحریک می‌کند. آیا مجموعه اقداماتی که قرار است از الان به بعد انجام شود، در جهت مرمم‌گذاشتن روی زخم‌هاست یا قرار است نمک پاشیده شود؟ مرمم‌گذاشتن هم از لحاظ اجتماعی نیاز به تخصص‌های مختلف دارد. تا الان که نگاه می‌کنیم توجه لازم به متخصصان برای مواجهه با اعتراضات و مطالبات مردم نشده است. روایت‌هایی هم که ارائه کردند به امنیت ملی لطمه زده است. باعث می‌شود که ما مشکل اصلی را پنهان و سعی کنیم مشکل را به شکل فرافکنانه، به عواملی خارج از خودمان محول کنیم. این شکل فکر نمی‌شکل در درازمدت جواب دهد اما اینکه به فروپاشی اجتماعی برسد به نظر من بعید است.

امیدوارم مرمم مورد توجه قرار بگیرد. این مرمم هم قول و قرار نیست. وقتی خبرنگاران بازداشت می‌شوند و متهم‌کردنشان به جاسوسی یک نوع فرافکنی است، مشکل را حل نمی‌کند. خبرنگار کارش تهیه خبر است. باید از اینها تقدیر کرد. زنی که از مرگ جورج فلوید فیلم گرفته بود مورد تقدیر گرفت. تقدیر شد که توانسته یک واقعه اجتماعی آسیب‌رسان را منعکس کند. ولی در اینجا برعکسش است. برخی مسئولان مدام صحبت از گفت‌وگو می‌کنند اما صحبت‌کردن، گفت‌وگو را شکل نمی‌دهد. گفت‌وگو قواعدی دارد. گفت‌وگو یعنی افراد در بیان نظراتشان در صورتی که محل نظم و امنیت اجتماعی نباشد، آزاد باشند. ولی برخی افراد هر واژه و گفتار مستهجنی را به دانشگاهیان، هنرمندان و… می‌گویند و آزاد هستند. اما با هر کلمه‌ای که از این سمت گفته شود و جنبه نقد متعهدانه و دلسوزانه داشته باشد که در واقع خودش امنیت ملی را تحکیم می‌کند، به بهانه اختلال در امنیت ملی برخورد می‌شود.

پس قواعد گفت‌وگو وجود ندارد. من امیدوارم مجموعه حاکمیت با درک وضعیت استثنائی فعلی، با خرد و تدبیر تصمیم بگیرند که جامعه و مردم احساس کنند گرامتشان مورد توجه است و خواسته‌ها و مطالباتشان را جدی گرفته‌اند.

**انجمن حامی**  
حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی

**کمپین نوشت افزار ۱۴۰۱**

**مه‌ر با مهربانی آغاز شد**

**کمپین نوشت افزار ۱۴۰۱**

**به پایان رسید**

**با افتخار اعلام می‌کنیم که بار دیگر با حمایت شما حامیان عزیزیی که همیشه در کنار ما هستید کمپین دیگری را به پایان رساندیم. در این کمپین ۹۱۷۶ دانش‌آموز کم‌برخوردار از بسته‌ی حمایتی نوشت‌افزار در آغاز سال تحصیلی بهره‌مند شدند.**

**انجمن حامی افزون بر مدارس تحت پوشش خود، چند مدرسه‌ی دیگر در مناطق را نیز پوشش داد و به بخشی از کودکان کار و فرزندان کولبران نیز بسته‌های نوشت‌افزار هدیه داده شد.**

**hamiassociation.org**  
**@hami\_association**  
**Tel: ۰۲۱-۸۸۸۳۰۱۷۷**

**انجمن حامی** ❤️💚💙

انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی